

بعثت و راه سبز

در تقویم های سالیانه روزهایی را به بزرگداشت شخصیت های دینی در میلاد و شهادت یا رحلت آنان اختصاص داده اند و تعدادی را نیز به عناوین و ارزش هائی که به معنا و مفهوم آن کمتر توجه داریم، مثل: عید فطر (عید شکفتن)، عید قربان (نزدیک شدن به خدا) و بالاخره عید "مبعث".

مبعث را سالروز برانگیخته شدن پیامبر نامیده اند. براستی برانگیخته شدن چه حالتی است و اگر متعلق به یک فرد در ۱۴۰۰ سال پیش است چه دلیل دارد امت اسلام همه ساله آنرا جشن بگیرند؟ در اعیاد فطر و قربان همه مسلمانان مشارکت دارند؛ روزه داری عملی مشترک است و در مراسم حج میلیونها نفر حضور دارند، چرا مبعث متعلق به همگان است؟

ما فارسی زبان ها کمتر به عمق معنائی واژه "بعثت"، همچون سایر واژهای کلیدی قرآن، توجه داریم و از ابعاد مفهومی آن غافلیم. اما مردم عراق و سوریه وقتی حزب "بعث" را تاسیس کردند، مقصودشان همان مفهومی بود که ما از کلمات: رستاخیز ملی، جنبش، پویائی و دگرگونی مراد می کنیم.

درست است که ما در سالروز مبعث برانگیخته شدن فرد برگزیده ای را جشن می گیریم، اما در حقیقت موضوع "برانگیختگی" را بزرگ می شماریم و به صورت فردی و اجتماعی به خود تلقین می کنیم در مسیر چنین تحولی قرار بگیریم، پس مبعث جشنی ملی است در بزرگداشت رستاخیز ملی و رهائی از هر آنچه ما را زمین گیر و اسیر میکند.

واژه "بعث" که از کلمات کلیدی قرآن است نوعی "بیدار شدن و روان گشتن به سوی مقصد یا هدفی" را می رساند که نوع خواب و بیداری و مقصدی که به سوی آن باید حرکت کنیم، بر حسب موضوع تفاوت می کند:

الف - خواب جسمی (ظاهری)

- ۱- بیدار شدن از خواب شبانه یا نیمروز و رفتن به سوی کار و کسب.
- ۲- بیدار شدن از خوابی طولانی در دنیا (خواب ۳۰۹ ساله اصحاب کهف و خواب ۱۰۰ ساله عزیز).
- ۳- بیداری از خواب گران مرگ در روز رستاخیز و روان شدن به سوی سرنوشت.

ب - خواب روحی (باطنی)

- ۱- بیدار شدن (بعثت) یک فرد در یک جامعه خفته و بی خبر برای هشدار بخشیدن به خفتگان (پدیده پیامبری).
- ۲- بیدار و برانگیخته شدن فرد با شب زنده داری و راز و نیاز با معبود.
- ۳- برانگیختگی استثنائی یک فرد توسط پروردگار برای انجام ماموریتی (مثال طالوت).

ج- بیداری به معنای ظهور و بروز استعداد های خیر و شرنهفته در وجود فرد یا جامعه.

- ۱- بیدار شدن استعداد های خیر و مثبت در وجود آدمی با خودسازی و خداجوئی.
 - ۲- بیدار شدن و از کمون درآمدن زمینه های ظلم و ستم در جامعه و توسعه و گسترش آن به شهروندان.
- از میان موارد فوق، در این مختصر تنها به آخرین مورد آن که اشاره به معضلات اجتماعی امروز دارد می پردازیم که در سوره انعام آیه ۶۵ آنرا در چهار نوع نابسامانی (عذاب) و آسیب اجتماعی به شرح ذیل تبیین کرده است:

- ۱- آسیب از بالا (عذاب آسمانی یا زور گوئی جباران از بالاسر ملت)
- ۲- آسیب از پایین (عذاب زمینی یا زور گوئی گروه های فشار و افسار گسیختگان خودسراز طبقات پایین جامعه)
- ۳- آسیب تفرقه در جامعه و متلاشی شدن وحدت (او یلبسکم شیعا)
- ۴- آسیب بروز خشونت و خون و خرابی در جامعه (او یدیق بعضکم باس بعض).

زمینه های ظلم و ستم، زیاده طلبی و زور گوئی در هر جامعه ای همچون میکرب بیماری "سل"، که سال ها در خفا و خفته به سر می برد، اما وقتی مبعوث و منتشر شد همه راه های تنفسی جامعه را می بندد، می تواند ملت را گرفتار آنچنان خفقانی کند که هیچکس از آن مصون نماند. سوره انعام جامعه را از بعث (بروز و برانگیخته شدن) چنین میکرب هائی هشدار داده تا با آگاهی و آفت زدائی این بیماری مهلک را درمان کنیم.

همان طور که گفته شد "بعثت" انسانها برای مبارزه با "بعثت" آفات و آسیب های اجتماعی است و هر تلاش و تکاپوئی که برای سلامت روح و روان یک جامعه انجام شود در مسیر و امتداد همان بعثت انبیاء می باشد.

جنبش سبز ایران نیز درون مایه ای از جنس بعثت دارد. اصولاً رنگ سبز نمادی از سبز شدن دانه و سرکشیدن به آسمان است. و مگر دانه چیست جز استعدادی بالقوه در دل خاک که به شوق خورشید شکافی از مدفن تنگ و تیره خویش می گشاید و با آزاد کردن خود از سنگینی خاک به تماشای افلاک می نشیند؟

و مگر معنای بعثت جز همین برانگیخته شدن و به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه و سبز شدن و آزاد گشتن از خفقان خاک و تنفس در هوای بدون تعصب و تنگ نظری است؟

اما نهال سبز بسیار شکننده و نازک است. چمنی است که چهارپایان در آن می چرند تا خود را پروار کنند. باید به سرعت صاف و سطر و بر ساق خویش استوار گردد تا راحت از گلوی گله های رها شده پائین نرود و هرگز هوس پایمال کردن و خوردنش نکنند.

این توصیفی است که قرآن از سرور سبزه های عالم و سبز رویان همراهش کرده است:

" محمد رسول خدا و کسانی که با اویند، در برابر حق ستیزان سخت مقاوم و میان خویش بسیار مهربان اند. مثال آنها (در عالم گیاهان) همچون زرعی است که جوانه اش از زمین خارج ساخته و با سخت و سطر ساختن اش بر ساقه خویش استوار ایستاده است.... (فتح ۲۹)

اینک جنبش سبز، به رغم لگد کوب شدن جوانانش در زیر سم ستوران ستم، از زمین تعصب و تحجر سر زده است. باید جوانه های شکسته را تکیه گاه شد، پایمال شدگان را پیوندی تازه زد، و چمن را دائماً آبیاری و تقویت کرد. باید جوانه ها را از فرورفتن مجدد در خاک خفقان بیم و به نور و گرمای خورشید آزادی بشارت داد.

تفاوت سبز شدن گیاه و انسان در تعقل و اندیشه است؛ اولی به هدایت غریزی و دومی به هدایت عقلی شکوفان می شود. چنین است که به گفته امام عارفان: " پیامبران مبعوث شدند تا گنجینه های عقول مدفون شده در زیر خاک بی خبری را زیر و رو کنند (... و یشیروا لهم دفائن العقول). نهضت سبز بر آن است تا به جای تقلید و سرسپردگی به قدرت های مطلقه، به عقل و اندیشه خداداد تکیه کند.

جنبش سبز باید از تجربه تلخ و تفرقه افکنانه ۳۲ سال گذشته در تبدیل تدریجی شعار " همه باهم " به " همه با من " درس بگیرد و از تکرار " خودی و ناخودی " کردن پرهیزد. قربانیان هفته های گذشته از همه طبقات و طیف های اجتماعی بودند و میراث خون پاک آنان متعلق به همه ملت است. خون و خرابی و خسارتی که در

این ۳۲ سال ، از جنگ ۸ ساله گرفته تا برادر کشی های گسترده، در تاریخ این سرزمین بی مانند بوده است. این تجربه باید برای ما کافی باشد. آزموده را آزمودن خطاست، ما هنوز به جایی نرسیده ایم ، راه وصول به هدف اصلی همان بازگشت به شعار " همه با هم " و نفی سیاست های " همه با من " است.

ان تنصروالله ینصرکم و ینصروکم (اگر خدا را یاری کنید، یاری تان میکند و گام هایتان را استوار می سازد).